

سیر تحول مدرسه دارالفنون از آغاز تاکنون

● سعید وزیری زاده

اشاره

دارالفنون از زمان تأسیس (۱۲۳۱ش) تاکنون تغییرات و دوره‌های متفاوتی را داشته است. ابتدا به عنوان اولین مرکز آموزش عالی و بعدها به عنوان دبیرستان، به آموزش و تربیت آینده‌سازان این کشور پرداخته است و در هر مرحله‌ای اثرات ارزشمندی در تاریخ تعلیم و تربیت دارد. بررسی این تحولات و دانش‌آموختگان آن یکی از مباحث جالب و مؤثر است که در این مقاله قصد داریم به آن بپردازیم.

سنگ‌بنای دارالفنون در سال ۱۲۶۶ ق (۱۲۲۹ ش) به دستور امیرکبیر در ضلع شمال شرقی ارگ سلطنتی گذاشته شد.

روز یکشنبه ۵ ربیع‌الاول سال ۱۲۶۸ (۱۲۳۱ ش) مدرسه دارالفنون افتتاح شد. دریغ و درد که بانی فرهنگ جدید ایرانی، امیرکبیر، ۱۳ روز پس از آغاز به‌کار دارالفنون در «حمام فین کاشان» به‌وسیله دژخیمان بی‌فرهنگ به قتل رسید. اما نام امیر در دارالفنون و با دارالفنون، تاریخ علوم جدید را رقم زد. امیر زنده ماند و از دل دارالفنون مدرسه‌های جدید و مراکز علمی دانشگاهی بیرون آمدند. [ص ۲ / آشنایی با دارالفنون].

در شماره بیست‌ونهم «روزنامه وقایع اتفاقیه»، مورخ بیست‌وسوم شوال ۱۲۶۷، چنین درج شده است که: «پارسال اعضای دولت علیه بنا گذاشتند که در میان ارگ سلطنتی دارالخلافه تهران تعلیم‌خانه‌ای بسازند که علوم و صنایع در آنجا تعلیم و تعلم شود» [ص ۴۸ - مدرسه دارالفنون].

در سال ۱۲۶۶، هم‌زمان با شروع ساختمان دارالفنون، امیرکبیر جان دودخان را برای استخدام شش تن معلم دانا و ورزیده در فن تعلیم به اتریش فرستاد. گفتنی است که صدراعظم دقیق، باریک‌بین و مصلحت‌اندیش به‌طور کلی با استخدام معلمان انگلیسی و روسی مخالف بود. زیرا بیم آن داشت که به انواع مختلف به جانب‌داری منافع و مصالح کشور خود اهتمام و ضمن تدریس تبلیغ کنند [همان‌جا].

روزی که امیرکبیر،
جان داودخان را
برای استخدام
به اتریش
(نمسه) فرستاد،
تازه سنگ‌بنای
دارالفنون
گذاشته شد

از مکتب‌خانه شاهی تا آغاز به کار دارالفنون

روزی که امیرکبیر، جان داودخان را برای استخدام به اتریش (نمسه) فرستاد، تازه سنگ‌بنای دارالفنون گذاشته شده بود و برای این بنای با ارج نامی نگذاشته بودند. به نوشته **اقبال یغمایی**، در آغاز این مدرسه نام مشخصی نداشت. گاهی به آن مکتب‌خانه شاهی می‌گفتند (چنان‌که در قراردادهای استخدام معلمان اتریشی نام مدرسه چنین است)، گاه مدرسه نظامی، گاه تعلیم‌خانه و سرانجام دارالفنون نام گرفت. امیرکبیر روز ۲۵ محرم سال ۱۲۶۸ از همه مناصبی که داشت معزول شد. معلمان اتریشی دو روز پس از عزل امیرکبیر وارد تهران شدند.

سخنان امیرکبیر با جان داودخان

میرزا آقاخان نوری که جانشین امیرکبیر شده بود، با معلمان اتریشی به سردی برخورد کرد. وی تحت تأثیر سرهنگ **شیل** که از سال ۱۲۶۵ تا ۱۲۶۹ ق، برابر با ۱۲۲۸ تا ۱۲۳۲ ش، وزیرمختار انگلیس بود، میرزا آقاخان نوری را بر آن داشت تا عذر معلمان اتریشی را بخواهد و به جای آن، معلمان انگلیسی استخدام کند. وی که سرسپرده انگلیس بود، به این کار رغبت نشان داد. اما ناصرالدین شاه راضی به این کار نشد، زیرا خود از امپراتور اتریش درخواست کرده بود که معلمانی را به ایران اعزام دارد.

امیر که از رفتار میرزا آقاخان نوری رنجیده بود، جان داودخان را نزد خود خواند و به او گفت: «این معلمان را من به ایران خواسته‌ام. اگر بر سرکار بودم، ایشان را بسزا احترام می‌گذاشتم. اکنون که نیستم، چندان که می‌توانی به آنان مهربانی کن.»

افتتاح دارالفنون

«روز یک‌شنبه ۵ ربیع‌الاول ۱۲۶۸، یک‌صد نفر از اولادان، شاهزادگان، امرا و رجال دولت که برای تحصیل در مدرسه مبارک دارالفنون منتخب شده بودند، توسط میرزا **محمدعلی‌خان**، وزیر دول خارجه، شرف‌اندوز خاک پای مبارک شده، بعد از آن به مدرسه مبارک آمده به میمنت، شروع به تحصیل کردند و در این روز دارالفنون افتتاح شد و حسب‌الرسم تشریفات معمول به عمل آمد» (مرآت البلدان، ج ۲).

دارالفنون از ۵ ربیع‌الاول، به مدت دو ماه جزو وزارت خارجه و زیر نظر **محمدعلی‌خان شیرازی**، وزیر امور خارجه اداره می‌شد. گفتنی است که وقتی دارالفنون شروع به کار کرد، وزارتخانه‌ای به نام علوم، معارف، فرهنگ یا آموزش و پرورش وجود نداشت. اما اینکه چرا مدرسه جزو وزارت امور خارجه بود، باید به این نکته توجه داشت که مسیو جان داودخان که برای استخدام معلمان به اروپا رفته

بود، عضو وزارت امور خارجه بود و قرارداد استخدام آنان را از طرف وزارت امور خارجه امضا و مبادله کرده بود. نام‌نویسی داوطلبان دوره اول تحصیل در مدرسه نیز زیر نظر محمدعلی خان شیرازی انجام گرفت.

چگونه از داوطلبان ثبت نام شد؟

در بیست و چهارم ماه محرم ۱۲۶۸، درست ۴۰ روز پیش از افتتاح دارالفنون، محمدعلی شیرازی نامه‌ای به محمودخان، کلانتر پایتخت، و عزیزخان آجودان‌باشی نظام می‌نویسد: «دوستا، مشفقا، برحسب حکم اعلی حضرت قدر قدرت شهریاری روح‌العالمین فدا، مقرر است که ۳۰ نفر بین ۱۴ و ۱۶ سال از اولاد خوانین و اعیان و اشراف در دارالفنون دارالخلافة مشغول تحصیل علوم غربیه از بابت حکمت، هندسه، معدن‌شناسی و آداب جنگ و غیره باشند. البته آن دوست مهربان به همه مردم اخبار و ترغیب و تحریض نموده، هر کسی را که میل داشته باشد نزد این‌جانب بیاورد که به اتفاق خود به حضور اقدس همایونی برده، در شغل مزبور و تحصیل علوم برقرار نماید. حرّز فی بیست‌وچهارم شهر محرم الحرام، سنه ۱۲۶۸.»

بنا بود دارالفنون
با ۳۰ دانش‌آموز
شروع به کار کند،
اما با ۱۵۰ دانش‌آموز
مدرسه افتتاح شد.



بنا بود دارالفنون با ۳۰ دانش‌آموز شروع به کار کند، اما با ۱۵۰ دانش‌آموز مدرسه افتتاح شد. به نوشته «المأثر و الاثار» (ص ۱۱۱):

«برابر فرمان مطاع افتتاح گردید و از آن تاریخ علوم مستظرف و فنون مستحدث و صنایع مستغرب که حکمای اروپا اساس آن‌ها را در ظرف چندین قرن برپا ساخته بودند در تأسیس با تندیس انتشار همی گرفت و اشتها همی پذیرفت.» نخستین علمی که در دارالفنون آموخته شد؟

از دهم دی‌ماه ۱۲۳۱ (۵ ربیع‌الاول ۱۲۶۸) تا سال ۱۲۴۰ (۱۲۷۷ق) تحصیل در دارالفنون در هفت رشته میسر بود:

۱. پیاده‌نظام؛
۲. توپخانه؛
۳. مهندسی نظام؛
۴. سواره نظام؛
۵. طب و جراحی؛
۶. معدن‌شناسی؛
۷. داروسازی.

مدرسه در آغاز وابسته به وزارت امور خارجه بود، زیرا معلمان همه اروپایی بودند و مدرسه نیز بیشتر جنبه نظامی داشت



مدرسه دارالفنون
طی ۱۲ دوره
به مدت ۴۰ سال
با همان اصول
نخستین دایر بود و
خدمات بسیاری
به معارف ایران کرد

مدرسه در آغاز وابسته به وزارت امور خارجه بود، زیرا معلمان همه اروپایی بودند و مدرسه نیز بیشتر جنبه نظامی داشت، اما بعدها وزیر علوم سرپرستی مدرسه را عهده‌دار شد [قاسمی پویا، ۴۹۳].

هنگامی که مدرسه افتتاح شد، کسی وزیر علوم نبود، اما در سال ۱۲۷۲ ق. که اعتضادالسلطنه وزیر علوم شد، سرپرستی مدرسه دارالفنون را هم بر عهده گرفت. با این حساب از دهم دی‌ماه ۱۲۳۱ تا سال ۱۲۳۹، این افراد عهده‌دار مسئولیت مدیریت دارالفنون بودند:

۱. میرزاعلی خان شیرازی

۲. عزیزخان مکرری

۳. رضاعلی خان هدایت

این دوره را باید دوره نخست دارالفنون دانست.

معلمانی که در دارالفنون تدریس می‌کردند، عبارت بودند از:

۱. بارون گومنز^۱: اتریشی - معلم پیاده‌نظام و مشاور در اصلاح نظام

۲. متراتسو^۲: ایتالیایی - معلم پیاده‌نظام

۳. کرزیز^۳: اتریشی - معلم توپخانه، ریاضیات و تاریخ نظام

۴. نمی‌رو^۴: اتریشی - معلم سواره‌نظام، و مربی سپاه

۵. زاتی^۵: اتریشی - معلم ریاضیات و مهندس نظام

۶. بوهلز^۶: فرانسوی - معلم ریاضیات و نقشه‌کشی

۷. کارنتا^۷: اتریشی - معلم معدن‌شناسی

۸. فکتی^۸: ایتالیایی - معلم فیزیک، شیمی و داروسازی

۹. دکتر پولاک^۹: اتریشی - معلم طب، جراحی و چشم‌پزشکی

۱۰. دکتر شلمیر^{۱۰}: هلندی - معلم طب

۱۱. ریشاء خان: فرانسوی - معلم زبان فرانسه. وی بعدها اسلام آورد.

۱۲. کارژ بلو: ایتالیایی - معلم نقاشی

۱۳. کوکاتی^{۱۱}: ایتالیایی - معلم داروسازی

1. umames
2. metratso
3. kreiz
4. nemiro
5. zatie
6. boheses
7. carnotto
8. foketue
9. polais
10. shelmeir
11. cucati



تحصیل در مدرسه دارالفنون رایگان و با لباس‌های متحدالشکل بود که از طرف دولت در دو نوبت (زمستانی و تابستانی) به دانش‌آموزان داده می‌شد

این مدرسه طی ۱۲ دوره به مدت ۴۰ سال با همان اصول نخستین دایر بود و خدمات بسیاری به معارف ایران کرد. عده‌ای از دانشمندان را در هر فنی برای خدمت به معارف ایران آماده ساخت که اکثر آن‌ها آغازگر یک نهضت علمی در ایران شدند. دوره‌های معارف مدرسه دارالفنون به قرار زیرند (سال قمری):

دوره اول:	۱۲۶۹	دوره دوم:	۱۲۷۱	دوره سوم:	۱۲۷۲
دوره چهارم:	۱۲۷۶	دوره پنجم:	۱۲۷۸	دوره ششم:	۱۲۸۲
دوره هفتم:	۱۲۸۴	دوره هشتم:	۱۲۸۸	دوره نهم:	۱۲۹۱
دوره دهم:	۱۲۹۷	دوره یازدهم:	۱۳۰۳	دوره دوازدهم:	۱۳۰۹

در این مدت ۴۰ سال، ۱۶ معلم ایرانی برای تدریس زبان‌های فارسی و عربی، و ۲۶ معلم اروپایی در دوره‌های متفاوت در این مدرسه تدریس کردند و هر سال ۲۷۰ نفر و در کل ۱۱۰۰ نفر از آن مدرسه فارغ‌التحصیل شدند. تحصیل در مدرسه دارالفنون رایگان و با لباس‌های متحدالشکل بود که از طرف دولت در دو نوبت (زمستانی و تابستانی) به دانش‌آموزان داده می‌شد. صبحانه و ناهار مجانی بود و حقی از شاگردان گرفته نمی‌شد. حتی کتاب‌های درسی را هم رایگان در اختیار آنان می‌گذاشتند (ص ۷۵-۷۶. پرویز صلاحی).

شاهزاده اعتضادالسلطنه و دارالفنون:

در سال ۱۲۷۲ق، اعتضادالسلطنه وزیر علوم شد. تأسیس وزارت علوم موجبات رواج و اقتباس فرهنگ اروپایی را فراهم ساخت.

الف. اعزام زنده‌ترین شاگردان دارالفنون به خارج از کشور و کسب جدیدترین دستاوردهای عملی در هنگام بازگشت زمینه پیشرفت و اشاعه فرهنگ جدید اروپا را فراهم آورد.

ب. احساس نیاز به منابع مفید درسی موجب تألیف و ترجمه کتاب‌هایی در رشته‌های مختلف به قرار زیر شده است که توسط معلمان، مترجمان و فارغ‌التحصیلان دارالفنون انجام داد. چاپخانه مدرسه به طبع رسیده و میان محصلان و دیگران توزیع گردید.

۱. کتب میرزا زکی خان مازندرانی درباره توپخانه، حکمت یا طبیعی، مکانیک، حساب و جغرافیا
۲. کتاب جراحی اثر دکتر پولاک اتریشی
۳. جبر و مقابله، ریاضی، دژسازی، توپخانه توسط ستوان کرزیز اتریشی
۴. تشریح اثر دکتر علی رئیس الاطبا
۵. طب اثر دکتر ابوالحسن خان
۶. اصول شیمی اثر میرزا کاظم محلاتی
۷. فیزیولوژی اثر دکتر آلبو اتریشی
۸. فرهنگ لغات طبی اثر دکتر شلمیر
۹. حساب، هندسه، جبر، جغرافیا، تاریخ طبیعی اثر میرزا عبدالغفار خان (نجم‌الدوله)
۱۰. کتب راجع به تعلیم زبان فرانسه، لغت فارسی و فرانسه تألیف میرزا علی‌اکبرخان مزین‌الدوله. / ص ۱۰۵، مرتضی راوندی.

در سال ۱۲۷۵ق، ۴۲ نفر از بهترین شاگردان دارالفنون فارغ‌التحصیل شدند که بعضی از آنان برای ادامه تحصیل به اروپا رفتند و در دانشگاه‌های معتبر به کسب دانش پرداختند. آنان نه تنها از همدرسان اروپایی خود عقب نماندند، بلکه بیشتر ایشان با امتیازات عالی‌تر فارغ‌التحصیل شدند.

شاگردان دارالفنون، پس از پذیرفته شدن در مدرسه، از آغاز شروع به تحصیل رشته مورد نظر خود را انتخاب و فقط در آن رشته کوشش می‌کردند. اما در تاریخ پنج‌شنبه ۲۳ ربیع‌الاول ۱۳۰۹، ما کمیسیونری مرکب از **نیرالملک**، رئیس مدرسه، **محمدحسن خان** سرتیپ اول، ناظم مدرسه، **حاج نجم‌الملک**، **مسیو دو بلیه**، **میرزا کاظم محلاتی**، **آقا علی خان** سرتیپ اول و ناظم علوم، **محمدتقی میرزا** سرتیپ و آجودان مدرسه تشکیل و پس از شور و بحث مفصل، قرار شد از آن به بعد همه محصلان تا مدت پنج سال درس‌های عمومی

را که تعداد آن‌ها ۱۲ تا ۱۴ ماده بود را بخوانند و پس از آن به آموختن رشته تخصصی بپردازند. به نوشته، یغمایی از سال ۱۲۶۸ تا سال ۱۳۱۸ و شاید هم تا چند سال بعد، جز به فارغ‌التحصیلان رشته طب، به دیگر شاگردانی که درس‌های خود را به پایان رسانده بودند، گواهی‌نامه نمی‌دادند. یغمایی نیز از قول فرهوشی (مترجم همایون سابق) که در سال‌های ۱۳۱۶ تا ۱۳۱۸ در دارالفنون تحصیل می‌کرده، این مطلب را آورده است:

«تصدیق‌نامه رشته طب هم در جواب درخواست کتبی ولی شاگرد صادر می‌شد. مثلاً میرزا نصراله شمس‌الاطبا که برای پسرش میرزا احمد از نیرالملک، رئیس مدرسه، تصدیق خواسته بود و به موجب خواهش میرزا نصراله، تصدیقی بدین شرح در ورقه مدرسه مرقوم فرموده و در جواب برای او فرستاد:

از مراتب تحصیلات میرزا احمد خواسته بودید. تقریباً ۱۰ سال است در مدرسه در حساب، هندسه، جبر و مقابله، و جغرافیا مشغول بوده و امتحانات عدیده داده. در ضمن نیز شعب علوم طبیعی را به مرور ایام تحصیل نموده؛ از قبیل فیزیک، شیمی، تشریح و فیزیولوژی، و تراپتیک و جراحی، و گیاه‌شناسی. طبیعی است در مقابل زبان

از تأسیس دارالفنون تا سال ۱۳۱۵ ق، تنها مرکز عالی دارالفنون بود و این در حالی بود که در سراسر ایران یک مدرسه ابتدایی وجود نداشت



محیط دارالفنون
آثار ادبی مهمی
به کشور ایران
نداد، اما به جوانان
فرصت داد که در
راه اصلاحات قدم
بردارند

فرانسه را هم آموخته است و از عهده ترجمه کتب فرانسه به خصوص طبی برمی‌آید. علاوه بر این سلوک و رفتارش همیشه اسباب تمجید و مایه خشنودی مباحثان بوده و شایسته هر نوع زحمت و لایق هر قسم خدمت است. یک‌شنبه دوم شهر جمادی‌الاولی، ۱۳۱۱.»

دارالفنون و مشروطه

از تأسیس دارالفنون تا سال ۱۳۱۵ق، تنها مرکز عالی دارالفنون بود و این در حالی بود که در سراسر ایران یک مدرسه ابتدایی وجود نداشت. در این ۴۸ سال دارالفنون مشاهیر بزرگی را پرورش داد که همه از خانواده‌های شاهزادگان، تجار، خوانین و بزرگان کشوری و لشکری بودند. بسیاری از این دانش‌آموختگان که برای ادامه تحصیل به اروپا رفتند، با زمزمه‌های آزادی و آزادی‌خواهی آشنا شدند. اما تا زمانی که ناصرالدین‌شاه در قید حیات بود، این زمزمه‌ها نتیجه‌ای نداشتند. چنان‌که می‌دانیم، مرحوم رشیدیه توانست در سال ۱۳۰۵ در تبریز به تأسیس مدرسه ابتدایی بپردازد. سرانجام در سال ۱۳۱۵ق رشیدیه توانست با پایمردی امین‌الدوله، نخستین مدرسه ابتدایی را در تهران تأسیس کند. در فاصله سال‌های ۱۳۱۵ تا ۱۳۲۴، که فرمان مشروطه به امضا رسید، بسیاری از دانش‌آموختگان دارالفنون بر آن شدند که مدرسه‌هایی را تأسیس کنند. در اینجا بد نیست اشاره‌ای گذرا به نام و نشان این مدرسه‌ها داشته باشیم.

در ماه ذی‌القعدة سال ۱۳۱۵، جمعی از روشن‌فکران و دوستداران فرهنگ به تأسیس مدرسه‌ای که هم برای پذیرفتن شاگردان باسواد و هم برای قبول شاگردان مبتدی آماده باشد، به نام مدرسه علمیه همدل و هم‌داستان شدند. روز هشتم ماه ذی‌حجه همان سال، اعضای انجمن معارف برای شرکت در جشن افتتاح مدرسه علمیه، از میرزاعلی‌خان امین‌الدوله، صدراعظم، دعوت کردند. امین‌الدوله قول مساعدت داد و بدین‌گونه کار اولین مدرسه که پس از دارالفنون در رشیدیه ایجاد شده بود، آغاز شد ... معلمان مدرسه علمیه در آغاز تأسیس از میان دانشمندان نیک‌نام زمان انتخاب شده بودند؛ از جمله: شمس‌العلمای گرکانی، مؤدب‌الدوله، ذکاالملک، میرزا عبدالعظیم خان، و شیخ حمزه که در آن روزگار از مردان با ارج و دانا بودند.

استقبال عمومی از گشایش مدرسه علمیه باعث شد امین‌الدوله در ماه ربیع‌الثانی ۱۳۱۶ مدرسه تازه‌ای را تأسیس کند و نام آن را «شرف» بگذارد. در این مدرسه از شاگردان شهریه گرفته نمی‌شد و به دانش‌آموزان بی‌بضاعت هر ماه پنج ریال برای خرید لوازم‌التحریر اعانه می‌دادند. نخستین رئیس این مدرسه میرزاعلی‌اکبرخان ناظم‌الاطبا بود. وی در سال ۱۲۸۹ از طب دارالفنون فارغ‌التحصیل شده بود.

سه‌م ناظم الاطبا در مشروطه

روزی که فرمان مشروطیت را برای توشیح به دربار برده بودند، مظفرالدین‌شاه بر اثر دارویی که به کار برده بود، ناگهان حالش به وخامت گرایید. طبیب آلمانی شاه اظهار داشت که بر اثر دوی زهرآگین و زیان‌بخش حالش بد شده و شاید به عمد آن دوی ناسازگار را به وی خورانده‌اند. شاه از شنیدن گفته پزشک آلمانی سخت خشمگین شد و کسی را جرئت آن نماند که در آن حال نامی از مشروطیت بر زبان آورد. اما میرزا علی اکبر خان ناظم‌الاطبا فداکاری بی‌نظیری از خود نشان داد. او بر جان خود نیندیشد و به منظور رفع بدگمانی شاه، باقی‌مانده دوا را که هنوز در شیشه بود، به یک دم آشامید و بلافاصله بی‌آنکه شاه و درباریان ظنین شوند، پادزهر به او خوراندند و خود نیز به کار برد. اندک‌اندک اثر داروی زیان‌خیز زایل شد و حال شاه به بهبودی گرایید و ساعتی بعد فرمان مشروطیت را به ارادت تمام و خشنودی امضا کرد (ص ۱۷۲ - یغمایی - اقبال).

مدرسه دارالفنون آثار ادبی مهمی به کشور ایران نداد، اما کاری بالاتر از آن کرد. این مؤسسه علمی، با وجود در میان نبودن مؤسس هوشیار و آگاه آن و با وجود کارشکنی‌های جاهلان و دشمنان ترقی ایران، بیش از آنچه انتظار می‌رفت، در پیشرفت کار تعلیم و تربیت و اخذ علوم و فنون جدید اروپایی در ایران مؤثر افتاد. توده وسیع مردم را با طرز زندگی اروپایی که تا آن زمان ایرانیان بویی از آن نبرده بودند، آشنا ساخت و به جوانان فرصت داد که در راه اصلاحات قدم بردارند. طولی نکشید که یک قشر روشن‌فکر از اطبا و علمای ریاضی و طبیعی در تهران پیدا شدند و با ترجمه و تألیف کتاب طبق روش علمی جدید و با بار آوردن شاگردان زیاد، به آغاز نهضتی در فرهنگ ایرانی کمک کردند. به طوری که می‌توان گفت تجددخواهی، مبارزه با خرافات و موهومات، و نشر افکار آزادی‌خواهانه در عصر ناصری، تا حدی از برکت تربیت و تعلیم همین طبقه از تحصیل کرده‌های دارالفنون بود، و هم این مؤسسه سودمند بود که عمال انقلاب و آن دسته از مأموران دولتی را که رشته کارهای آینده ایران را به دست گرفتند، تربیت کرد (آرین‌پور، یحیی).

کسانی که مایل باشند با نقش دانش‌آموزان دارالفنون در انقلاب مشروطه آشنا شوند، می‌توانند به کتاب با ارج «وزیران علوم»، نوشته اقبال یغمایی مراجعه کنند. من در اینجا فقط اشاره‌ای گذرا خواهم داشت: «مخبرالسلطنه از کسانی بود که برای گرفتن فرمان مشروطیت تلاش بسیار کردند. او رابط میان مردم و مظفرالدین شاه بود. هم او در ۲۲ بهمن‌ماه ۱۲۸۵ نامه‌ای را که نمایندگان به محمدعلی‌شاه نوشته بودند، به شاه رساند. در این نامه از او خواسته بودند که در آغاز سلطنت خود حمایت از مشروطه را تأیید و به مردم اعلام کند. از سوی دیگر، پس از مرگ مظفرالدین‌شاه، مردم برای قدرشناسی از خدمت وی در اعطای مشروطیت، مجلس باشکوهی به مناسبت سومین روز درگذشت او برپا داشتند. شاگردان مدرسه دارالفنون با لباس سیاه در این مجلس شرکت کردند. روز بعد به

از سال ۱۳۰۴ تا
۱۳۱۳ را باید از
جمله دوره‌هایی
دانست که
دارالفنون بیشتر
یک دبیرستان است

دعوت دانش‌آموزان دارالفنون، دانش‌آموزان تمام مدرسه‌های تهران با لباس سیاه در مجلس ختمی که وزارت علوم تشکیل داده بود، شرکت کردند. در دومین سال مشروطیت نیز جشن مشروطه با شرکت شاگردان مدرسه‌های اقدسیه، مظفریه و به راهنمایی محصلان دارالفنون برگزار شد!

برخی از دانش‌آموزان دارالفنون در شب‌های جمعه و شنبه ۱۵ و ۱۶ جمادی‌الآخر در برابر علما و وکلا سخنرانی‌های پرشوری ایراد کردند (ص ۳۲ - آشنایی با مدرسه دارالفنون).

تحصن دانش‌آموزان دارالفنون

محمدعلی‌شاه که مشروطه را پذیرفته بود، خیلی زود به مخالفت با آن پرداخت. آزادی‌خواهان هم به مبارزه برخاستند. هنگامی که آن‌ها به سفارت انگلیس پناه بردند، جمعی از دانش‌آموزان دارالفنون نیز در سفارت به تحصن دست زدند و نامه‌ای را امضا کردند (یغمایی). پس از مشروطه حضور دانش‌آموزان و معلمان مدرسه بین مردم بیشتر محسوس بود. **عبدالله مستوفی** در کتاب «شرح زندگانی من» می‌نویسد:

«طبیب‌هایی که از این دانشگاه بیرون آمده‌اند، بهترین اطباء دوره‌های بعد شدند و در سایر شعب علمی هم برتری محسوسی نمایان گشت؛ مخصوصاً در فنون نظام احتیاج به مشق اروپایی که برای معلم افواج لازم بود، مرتفع گردید.»



فارغ التحصیلان
دارالفنون
در زمینه‌های
گوناگون، علمی،
ادبی، صاحب آوازه
بودند

وی در جای دیگری می‌گوید:

«درباریان و بزرگان قوم حرف این عدهٔ قلیل را که از مدرسه دارالفنون بیرون آمده بودند، نمی‌فهمیدند و از این طبقه تشویق بسزایی نمی‌شد و روزبه‌روز مایهٔ دانش آن‌ها تنزل می‌کرد. تا بالاخره در آینده این مدرسه محل اعاشه جمعی می‌شود و روح دانش این مؤسسهٔ سی‌چهل‌ساله را بدرود می‌گوید» (مستوفی، ص ۵۸-۱۰۶).

دارالفنون از مشروطه تا آغاز سلطنت پهلوی اول

از سال ۱۲۸۵ تا سال ۱۳۰۵ش را شاید بتوان به دو دوره تقسیم کرد:

● از سال ۱۲۸۵ تا ۱۲۸۸ش (دورهٔ اول یا مشروطهٔ یکم): تصویری که عیسی صدیق از این دوره به دست می‌دهد، این‌گونه است:

«چون از سال ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۷ میان آزادی‌خواهان و مشروطه‌طلبان و محمدعلی‌شاه و اعوانش کشمکش بود، کسی در فکر فرهنگ و آموزش و پرورش نبود. اثر مهم اعلام مشروطه و تأسیس مجلس این شد که از فارغ‌التحصیلان مدارس جدید و پیش‌قدمان معارف تازه که تا آن زمان مورد تحقیر و اهانت و ایذای جهال و متعصبین بودند، تجلیل و قدردانی به عمل آمد و عده‌ای از آنان را به نمایندگی و تصدی امور انتخاب کردند (تاریخ و فرهنگ ایران/ ص ۳۶۲).

● از سال ۱۲۸۵ تا ۱۳۰۴ش. که مجلس شورای ملی به انقضای سلسلهٔ قاجاریه رأی داد، ۲۲ نفر وزیر علوم شدند؛ یعنی برای هر سال یک وزیر. این وزیران یا معلم دارالفنون بودند یا در دارالفنون درس خوانده بودند.

دربارهٔ فعالیت دارالفنون تا سال ۱۳۲۵ق. (۱۲۸۶ش)، *علی‌اصغر حکمت* چنین می‌نویسد: «تا سال ۱۳۲۵ق، دارالفنون به روش پیشین آموزشگاه ارجمندی بود، مگر آنکه پس از آن پس رفته، از شکوه و بزرگی دیرین افتاده و فرهنگ نوین راه و روش آن بگردانیده و به دبیرستان ساده و فرومایه‌ای درآورده‌اند که در آنجا دانش‌آموزان سرآغاز دانش‌ها را بیاموزند و از آن پرورشگاه والا، جز نام دارالفنون چیزی به جا نمانده، کاخ کهن سال آن دانشگاه بدانسان که امیرکبیر ساخته بود، تا سال ۱۳۴۸ق. (۱۳۰۸ش) بر جا بود. مگر در آن سال به‌دستور فرهنگ، خانهٔ کهن را ویران و ساختمانی نوین به اندازه‌گیران چابک‌دست که یکی از آن‌ها، مارکف روسی است، در جای آن پدیدار کرده‌اند» (ص ۲۹۴- پاریسی نغز).

از سال ۱۳۰۴ تا سال ۱۳۱۳ شمسی

از سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۱۳ را باید از جمله دوره‌هایی دانست که دارالفنون بیشتر یک دبیرستان است. برابر آمار رسمی وزارت معارف در خرداد ۱۳۰۵، در سراسر ایران دو باب مدرسهٔ

عالی طب و سیاسی در پایتخت دایر بود که ۳۰۶ دانشجو داشت. هشت باب مدرسه متوسطه پسران با ۲۴۶۱ دانش‌آموز نیز دایر بودند که از این هشت دبیرستان، فقط دبیرستان دارالفنون و دارالمعلمین دوره کامل داشتند. در این سال ۱۱۰ دانش‌آموز در این دو مؤسسه تحصیلات ششم دبیرستان را به پایان رساندند. در سال ۱۳۰۸ بنای دارالفنون که در حال ویران شدن بود، بازسازی شد. این کار از ۱۳۰۸ تا سال ۱۳۱۲ به درازا کشید.

در دوره وزارت علی‌اصغر حکمت که از سال ۱۳۱۲ تا ۱۳۱۷ طول کشید، اقداماتی به شرح زیر صورت گرفتند:

۱. روز سوم مهرماه ۱۳۱۳، در تالار نوساز دارالفنون جشن افتتاح دانشکده فنی با حضور **محمدعلی فروغی**، و برخی از وزیران، نمایندگان مجلس و فرهنگیان برگزار شد.
۲. روز ۲۱ مهرماه ۱۳۱۳، نخستین جلسه «کنگره فردوسی» در تالار دارالفنون تشکیل شد.
۳. روز ۱۵ بهمن ۱۳۱۳، دانشگاه تهران افتتاح شد و از این تاریخ دیگر دارالفنون فقط یک دبیرستان است. ناگفته نماند که پیش از تأسیس دانشگاه، مدرسه‌های دندان‌سازی و داروسازی، دانشکده معقول و منقول، و مؤسسه وعظ و خطابه دانشکده فنی کارشان را آغاز کرده بودند. بنابراین با تأسیس دانشگاه تهران، دبیرستان دارالفنون با سه رشته ریاضی، طبیعی و ادبی، در کنار دبیرستان‌های علمیه، شرف و دبیرستان ملی کالج (البرز) فعالیت چشمگیر داشت. واقعیت این است که «روز سوم مهر ۱۳۱۳ که عمارت جدید دارالفنون پس از پنج سال به پایان رسیده بود، فروغی، رئیس‌الوزرا، وزیران، گروهی از نمایندگان مجلس، و جمعی از دانشمندان، در تالار جدید دارالفنون مراسمی برپا کردند و علی‌اصغر حکمت که کفیل وزارت معارف بود، گفت: «این عمارت فعلاً اختصاص به یک دبیرستان کاملی دارد که در هر کلاس دو شعبه با تجهیزات کامل دایر است» (ص ۱۵۴ - یغمایی).

از سخنان حکمت چنین برمی‌آید که تا سال ۱۳۱۳ دبیرستان دارالفنون فقط در دو رشته ریاضی و طبیعی فعالیت داشته است اما بعد از سال ۱۳۱۳ رشته ششم ادبی نیز دایر می‌شود. به‌طور کلی، از سال ۱۳۱۳ تا سال ۱۳۵۷ ش، دارالفنون دبیرستانی نام‌آور و پرآوازه بود. باز هم این فارغ‌التحصیلان دارالفنون بودند که در زمینه‌های گوناگون، علمی، ادبی، صاحب آوازه بودند. اگر ما ۳۲ کلاس درسی را که در گنجینه دارالفنون وجود دارند به یاد آوریم، می‌توانیم هر کلاسی را به نام درس و معلمان آن اختصاص دهیم؛ کاری که چندان مشکل نیست. باشد که علاقه‌مندان به فرهنگ و پژوهش را به کار آید. زیرا دارالفنون درختی است گلشن و کهن‌سال که اگرچه برگ و بارش ریخته، اما ریشه‌هایش در ذهن و اندیشه تاریخ علم و هنر و فرهنگ ایران و ایرانی ماناست. پس جا دارد که در خانه‌های ۳۲ گانه دارالفنون مشام جان را زنده نگه داریم.



منابع

۱. پرویز صلاحی، ۱۳۸۲، تاریخ مدارس خارجی در ایران، انتشارات آوای نور، تهران
۲. اقبال قاسمی پویا، ۱۳۷۷، مدارس جدید در دوره قاجاریه، مرکز نشر دانشگاهی
۳. سعید وزیری‌زاده، ۱۳۸۳، آشنایی با مدارس دارالفنون، پژوهشکده تعلیم و تربیت
۴. سعید وزیری‌زاده، ۱۳۹۲، از شازده تا حاجی، انتشارات کوشش
۵. اقبال یغمایی، ۱۳۷۵، وزیران علوم معارف، مرکز نشر دانشگاهی
۶. اقبال یغمایی، ۱۳۷۶، مدرسه دارالفنون، نشر روا
۷. سالنامه وزارت معارف، شماره ۶ و ۷ و ۸
۸. مجله تعلیم و تربیت، سال چهارم، شماره ۶، شهریور ۱۳۱۳